

بررسی و شناخت مصادیق تأخیر اجرای قرارداد با استناد به موارد توجیه کننده آن در قراردادهای خدماتی در نظام حقوقی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۱۰)

میلاذ دکامنی

چکیده

تعهد یعنی وظیفه یا ضمانتی در مقابل کسی یا برای چیزی و خود را ملزم به انجام کاری دانستن. تعهد شخصی یعنی کارهایی که به خاطر وظایف و التزامهایی انجام می‌شوند. این وظایف و التزامها ممکن است توسط خود شخص تعیین شده باشند، وظایفی دو طرفه و دوجانبه باشند یا به روشنی مکتوب شده باشند. یکی از دعاوی که در مراجع قضایی درباره قراردادهای مختلف مطرح می‌شود دعوای مربوط به عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد است. خسارت تأخیر در انجام تعهد به این معنی است که گاهی ممکن است فردی تعهد به انجام کاری را داده باشد ولی در انجام آن تأخیر داشته باشد و تعهد خود را در مدت تعیین شده انجام ندهد و اصل تعهد قابل انجام است چون متعهد در انجام تعهد دیر کرده است هم باید خسارت بدهد هم باید تعهد را انجام دهد. در برخی موارد که قانون مشخص کرده است اجرای قرارداد با تأخیر نیز ممکن است. حال قصد داریم در این مقاله این موضوع را در قراردادهای خدماتی مورد بازبینی و تحلیل قرار دهیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها فیش برداری می‌باشد.

واژگان کلیدی: تأخیر اجرای قرارداد، تعهد، الزام به انجام تعهد، خسارت قراردادی، متعهد

بخش اول: کلیات و مفاهیم اولیه

بند اول: بررسی و شناخت واژه قرارداد در حقوق ایران

«قرارداد»، «عقد» و توافق عبارات متفاوتی است که تا حدودی مبین یک واقعیت اعتباری است و از نظر نویسندگان حقوق مدنی نیز دو واژه عقد و قرارداد مترادف هم می‌باشند. مقنن نیز این دو واژه را در متون حقوقی صرف نظر از مباحث لغوی به دفعات مورد استفاده قرار داده است که عبارتند از:

۱. در ماده ۹۴ ق.م. ایران این الفاظ را قانونگذار مترادف به کار برده است. «صاحبان املاک می‌توانند در ملک خود هر حقی را که بخواهند نسبت به دیگری قرار دهند، در این صورت کیفیت استحقاق تابع قرارداد و عقدی است که مطابق آن حق داده شده است.»
 ۲. در قانون تجارت ایران لفظ عقد بکار نرفته و از لفظ «قرارداد» همیشه استفاده شده است که خود نشانگر مترادف بودن آن در نزد قانونگذار می‌باشد.
 ۳. با اینکه روال قانون مدنی ایران و قانون آیین دادرسی آن استعمال لفظ عقد است لکن در مواد ۱۰ و ۹۷۵ و ۱۰۱۰ ق.م و ۶ و ۲۲ ق.آ.د.م لفظ قرارداد را بکار برده است.
- عقد یا قرارداد به توافق دو اراده ضروری در جهت ایجاد یک اثر حقوقی را گویند. به عبارت ساده‌تر هر گاه جهت به وجود آمدن یک اثر حقوقی همچون بیع، اجاره و نظایر آن، نیاز به تلاقی و تراضی ضروری دو اراده باشد، عقد محقق می‌گردد. با این تعریف ماهیاتی چون وصیت تملیکی، وکالت، هبه و دیگر ماهیاتی که قبول قابل در آن قبول ضروری یا به اصطلاح دکتر لنگرودی قبول عقدی نیست از تعریف و مضمول عقد خارج می‌شوند. قانون مدنی در ماده ۱۸۳ ق.م عقد را چنین تعریف نموده است: «عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد». راجع به تعریف فوق ایراداتی از سوی بزرگان علم حقوق وارد شده است که برخی از پس از طرح ایرادات تعریف دیگری را ارائه داده‌اند؛ که در اینجا فقط به دو نمونه از آنها اشاره می‌گردد:
- حقوقدانی در تعریف عقد می‌فرماید «توافق دو یا چند اراده است که به منظور ایجاد آثار حقوقی انجام می‌شود» و معتقد است اثری که از عقد ناشی می‌شود، ممکن است ایجاد رابطه

حقوقی جدید باشند (مانند ایجاد و انتقال حق عینی و تعهد) یا از بین بردن و تغییر رابطه حقوقی گذشته (مانند اقاله و تبدیل تعهد) است. ۱ همچنین برخی دیگر نیز در تعریف عقد مرقوم می- دارد که «عقد عبارت است از همکاری متقابل اراده دو یا چند شخصی در ایجاد و ماهیت حقوقی» و معتقد است اثر این ماهیت حقوقی ممکن است انتقال مال از یک طرف به طرف دیگر در برابر عوض و یا اثر آن پیدایش تعهدی در ذمه هر یک از طرفها در برابر طرف دیگر مانند تعهد اجیر به انجام عملی در برابر مستاجر و تعهد مستاجر به پرداخت اجرت، و یا تغییر تعهد یا زوال تعهد به وسیله قرارداد باشد. ۲ توافق دو یا چند نفر جزء اصلی تعریف قرارداد می باشد. به عنوان مثال در خرید یک اتومبیل دو نفر توافق می کنند که یکی (فروشنده) اتومبیل خود را به دیگری (خریدار) بدهد و دیگری متقابلاً پولی به فروشنده پرداخت کند، قصد و رضایت درونی دو طرف بر انتقال مال یا انجام کاری برای وقوع یک قرارداد کفایت می کند و زمانی که دو طرف با اراده آزاد بر موضوعی توافق کنند ملزم به رعایت آن می شوند و پس از آن در حق طرفین و افرادی که جانشین آنها می شوند (قائم مقام قانونی) نیز موثر است؛ و نیازی به هیچ گونه تشریفات ندارد. اما نکته مهم این است که به لحاظ مصالح اجتماعی قانونگذار شرایطی را به موارد فوق افزوده که در بعضی مواقع بدون توجه به آن شرایط و تشریفات، مراجع قانونی از پذیرش قرارداد خودداری خواهند کرد.

بند دوم: بررسی مفهوم مهلت اجرای قرارداد

مهلت مترادف موعد، ۳ زمان، اجل، فرصت ۴ می باشد و آن به معنای ضرب الاجل، امهال، تعیین زمان برای امری می باشد ۵ و در فرهنگ عمید، مهلت به زمان دادن، درنگ و آهستگی و

۱ کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، ج ۱، تهران شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم ۱۳۸۸، ش ۱۰، ص ۲۱ و ۲۲

۲ شهیدی، دکتر مهدی، حقوق مدنی (تشکیل قراردادها و تعهدات)، تهران، انتشارات مجد، چاپ ششم ۱۳۸۶، ش ۱۰، ص ۳۹

۳ جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم ۱۳۸۱، ش ۱۳۷۳۲، ص ۳۵۸۱

۴ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید ۱۳۷۳، ص ۱۹۳۶۱

۵ جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، ش ۱۳۵۸۸ و ۱۳۶۵۱ ص ۳۵۵۰ و ۳۵۶۴

رفق و مدارا معنا شده که مترادف اجل می‌باشد و اجل نیز به نقطه زمانی که برای پایان کاری یا امری در نظر می‌گیرند گفته می‌شود. بنابراین مهلت در مقایسه با نهادهایی همچون اجل، موعد، زمان، فرصت نهادهایی مترادف هستند که جملگی این اصطلاحات به تعیین نقطه زمانی که برای انجام کاری یا امری در نظر می‌گیرند، اطلاق می‌شود. در مقایسه مهلت با سررسید بعضی از نویسندگان سررسید را پایان موعد و بعضی دیگر مترادف موعد دانسته‌اند^۲ به نظر می‌رسد با کمی تسامح سررسید را نیز مترادف مهلت دانست؛ چرا که در فارسی کنونی نیز از اجل با عنوان سررسید یاد می‌کنند. با مقایسه مهلت و مدت مشخص می‌گردد که مدت جزئی از مهلت است، چرا که مدت در فرهنگ لغت به معنی قسمتی از وقت زمان چه کم باشد و چه بسیار و همچنین مترادف دوران، هنگام، وقت و فاصله زمانی و نیز بخشی از زمان معنی شده است.

بخش دوم: بررسی و تحلیل حقوقی تأخیر در اجرای قرارداد

بند اول: مفهوم تأخیر

تأخیر در لغت به معنی پس انداختن و دیر کردن آمده است.^۳ و معنای اصطلاحی آن از معنای لغوی آن مهجور نمانده است؛ بنابراین تعلل و اهمال در اجرای قرارداد در ارتباط با موعد انجام آن، تأخیر اصطلاحی است که در این مقاله به کار رفته است.

بند دوم: چگونگی تحقق تأخیر

تأخیر زمانی تحقق می‌یابد که متعهد در اجرای قراردادی که موعد آن فرا رسیده، تعلل بورزد. بنابراین در تحقق تأخیر، لزوم گذشتن موعد، مستتر است. تحقق تأخیر را در رابطه با موعد، در سه فرض می‌توان مطالعه کرد که به ترتیب در سه بند آورده می‌شوند:

الف- موعد در قرارداد معین باشد: به طور معمول، موعد اجرای تعهد در عقد معین است. تعیین موعد، گاه به دقت انجام می‌گیرد و دو طرف روز یا ساعت معین را برای وفای به عهد در نظر می‌گیرند: مانند اینکه بلیط هواپیما برای پرواز خاص در ساعت معین فروخته می‌شود و دو

۱ عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۶۴، ص ۱۸۷۵

۲ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید

۱۳۷۳، ص ۱۸۱۲۷

۳ جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۳۲

طرف تعهد می کنند که روز دوم اردیبهشت برای انجام دادن معامله در دفتر اسناد رسمی حاضر شوند. گاه نیز مدتی را در نظر می گیرند که ظرف آن مدیون وفای به عهد کند؛ انتخاب تاریخ اجرا با مدیون است، ولی باید از مهلت تعیین شده فراتر نرود. برای مثال، متصدی حمل کالا تعهد می کند که تا سه ماه آن را به مقصد برساند. در هر حال متعهد باید تا پایان مهلتی که در قرارداد معین شده است وفای به عهد کند و از آن هنگام تأخیر آغاز می شود. در حقوق ما، جز در موارد استثنایی، طلبکار در دعوای جبران خسارت هیچ نیازی به اثبات مطالبه از ملتزم ندارد؛ چنانچه در ماده ۲۲۶ ق. م می خوانیم: «در مورد عدم ایفاء تعهدات از طرف یکی از متعاملین طرف دیگر نمی تواند ادعای خسارت نماید، مگر اینکه برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد...» برخلاف ظاهر عبارت، مقصود این نیست که مسئولیت متعهد منوط به تعیین مدت معین است. قانونگذار می خواهد، حکم موردی را که موعده انجام تعهد در عقد معین شده است بیان کند، و در واقع تکیه بر لزوم گذشتن موعد است نه تعیین آن. به همین جهت، در ادامه این حکم آمده است: «... و اگر برای ایفاء تعهد مدتی مقرر نبوده، طرف وقتی می تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است». این بخش از ماده نیز از نظر شیوه بیان نارساست. زیرا، این توهّم را به وجود می آورد که، اگر برای ایفاء تعهد مدتی مقرر نشود و اختیار موقع انجام تعهد نیز با طلبکار نباشد، امکان مطالبه خسارت وجود ندارد در حالی که چنین نیست و خواهیم دید تعهد بایستی بی درنگ اجرا شود و دلیلی ندارد که متعهد ضامن زیانهای ناشی از تأخیر اجرای آن نباشد. در واقع، تکیه بند دو بر مطالبه خسارت در موردی است که در قرارداد، موقع انجام تعهد به انتخاب طلبکار واگذار می شود.

ب- موعده در اختیار طلبکار است: مانند موردی که وام به دیگری پرداخت می شود و اجلی برای برای مطالبه آن در عقد قرض یا عقد دیگر نمی آید، یا در عقد نکاح شرط می شود که مهر «عند المطالبه» است و هر زمان که زن بخواهد شوهر باید پردارد. در این فرض، انتخاب طلبکار به وسیله مطالبه به بدهکار اعلام شود. اثبات این امر نیز به عهده طلبکار است؛ چنانچه در ماده ۲۲۶ آمده است: «... طرف وقتی می تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است». در عرف تجارتي، مثال

متداول این گونه تعهدها سفته‌ای است که عندالمطالبه یا بدون تاریخ سررسید صادر می‌شود و طلبکار می‌تواند تاریخ مورد انتخاب خود را بر آن بنویسد و واخواست کند. (ماده ۳۰۷ ق. ت)

ج- موعده معین نشده باشد: در صورتی که موعده‌ای برای اجرای قرارداد معین نشده باشد مدیون باید بی‌درنگ وفای به عهد کند. حال بودن طلب موافق با اصل و مؤجل بودن آن نیاز به دلیل دارد. این اصل به طور صریح در هیچ متنی اعلام نشده است، ولی در موارد خاص چندان بکار رفته که وجود آن را انکار ناپذیر می‌سازد. (ماده ۳۴۴ و بند ۳ ماده ۴۹۰ و مواد ۶۵۱ و ۷۰۴ ق. م و ماده ۲۴۲ ق. ت) بنابراین، مواردی که در قرارداد موعده معین نشده است، در حکم شرط فوری بودن اجرای تعهد است و طلبکار نیازی به رجوع به بدهکار ندارد و می‌تواند خسارت تأخیر را، پس از مهلت عرفی انجام تعهد از آغاز تراضی بگیرد. با وجود این، گاه طبع کار مورد تعهد به گونه‌ای است که انجام دادن آن مدتی به درازا می‌کشد (مانند ساختن سد یا پل) یا بنای دو طرف در این است که مهلتی متعارف به مدیون داده شود (مانند وامی که برای اداء دین داده می‌شود) در چنین مواردی، باید مهلت متعارف را رعایت کرد و طلبکار نمی‌تواند، به این استناد که موعده‌ای در عقد معین نشده است، اجرای بی‌درنگ قرارداد را بخواهد یا از بابت تأخیر در اجرای قرارداد از بدهکار خسارت بگیرد (ماده ۲۲۰ ق. م). قانون مدنی در این باره به اعلام رعایت لوازم عرفی و قانونی عقد قناعت نکرده است و قاعده «لزوم رعایت مواعید عرفی و بنایی» را در عقد بیع، که محل مرسوم بیان قواعد عمومی معاملات است، بدین عبارت تأیید می‌کند: «اگر در عقد بیع شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع یا تأدیه قیمت موعده معین نگشته باشد، بیع قطعی و ثمن حال محسوب است، مگر این که بر حسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجارتي، وجود شرطی یا موعده معهود باشد اگر چه در قرارداد بیع ذکر نشده باشد» (ماده ۳۴۴ ق. م)

بخش سوم: ماهیت تأخیر اجرا و سایر اشکال تخلف از مهلت

بند اول: ماهیت تأخیر اجرا

زمانی که عقدی بین متعاملین منعقد می‌گردد و عقد دارای مهلت یا موعده باشد، متعهد باید مفاد عقد را در مهلت تعیین شده و به موقع اجرا نماید. تأخیر در اجرای قرارداد زمانی واقع می‌شود که متعهد، تعهد را در مهلت تعیین شده مندرج در قرارداد را به موقع اجرا نکند و

باعث ضمان گردد. تأخیر در اجرای قرارداد را عدم اجرای موقت نیز گفته‌اند. ادر برابر عدم اجرای نهایی. تأخیر در اجرای قرارداد زمانی محقق می‌شود که:

- تعهد قابل مطالبه باشد؛
- تعهد اجرا نشده باشد؛
- اجرای تعهد هنوز ممکن باشد؛
- در موارد خاص، تعهد مطالبه شده باشد.

بنابراین، وضع «تأخیر» با اجرای تعهد و ابراء طلبکار و ناممکن شدن اجرای آن پایان می‌پذیرد. در موارد عادی، اجرای شرطی که ناظر بر مهلت اجرای تعهد است، چهره فرعی و مطلوب جداگانه‌ای است که اگر از دست برود خسارت ویژه خود را دارد. بنابراین در این گونه قراردادهای، نفس مورد تعهد، منظور طرفین قرارداد است و مهلت اجرای آن خصوصیتی اضافه دربرداشته که با انقضای مهلت و عدم اجرای تعهد، آن خصوصیت خاص از بین می‌رود لکن هنوز اجرای اصل تعهد مطلوب بوده و باقی است. مانند مقاطعه کاری که در برابر دیگری تعهد می‌کند که ساختمانی را طبق نقشه معینی برای متعهدله ساخته و در مهلت معینی تحویل دهد. در این مثال، مورد تعهد طوری است که اگر هم در مهلت مقرر بین طرفین تعهد اجرا نگردد؛ اجرای آن در خارج از مهلت تعیین شده نیز ممکن و مطلوب است. در حقیقت می‌توان گفت مورد تعهد ایجاد ساختمان بوده منتها ایجاد آن در زمان معین، خصوصیات زیاد دیگری دربرداشته است که در این فرض اصطلاحاً گفته می‌شود که موعد تعهد، خارج از ذات مورد تعهد است و یا به تعبیر دیگر مورد تعهد و موعد اجرای آن به نحو تعدد مطلوب منظور بوده است. بعضی از نویسندگان حقوقی معتقدند خودداری متعهد از اجرای شرط مهلت در حکم عدم اجرای بخشی از قرارداد است و مسئولیت متناسب با خود را دارد. بر عکس، در مواردی که موعد قید تعهد است، یعنی «انجام دادن تعهد در موعد معین» مطلوب یگانه و تجزیه ناپذیر طلبکار است، گذشتن موعد همچون عدم انجام تعهد است، چرا که از آن پس، تعهد اجرا شدنی نیست. در نتیجه، خسارت تأخیر نیز در عدم انجام تعهد ادغام می‌شود و طلبکار می‌تواند،

به دلیل سپری شدن موعد، از مدیون خسارت عدم انجام تعهد بگیرد. برای مثال، غذایی که برای جشن عروسی در روز معین سفارش داده می‌شود پس از آن روز به کار نمی‌آید و در قصد مشترک قراردادی فروش مقید به همان روز موعود است. همچنین است قرارداد خواندن یا نمایش در تشریفات خاص و اجاره هواپیما برای پرواز ساعت معین.

بند دوم: سایر اشکال تخلف از مهلت

عهد شکنی و تخلف از اجرای تعهداتی که طرفین قرارداد معین نموده‌اند هم از نظر اخلاقی و هم از نظر قانونی امری ناپسند است طرفین قرارداد بایستی آنچه را که تعهد نموده‌اند، انجام دهند. قلمرو تعهدات طرفین صرفاً محدود به انجام تعهد نیست بلکه طرفین بایستی تعهد را منطبق با شرایط و ویژگی‌های مندرج در قرارداد را اجرا نمایند از جمله شروطی که طرفین قرارداد در اجرای تعهد قراردادی ملزم به رعایت هستند اجرای تعهد، در مهلت مندرج در قرارداد می‌باشند؛ به دیگر سخن طرفین ملزمند که تعهدات قراردادی را در مهلت تعیین شده مندرج در ضمن قرارداد را به موقع انجام دهند و عدم اجرای تعهد در مهلت تعیین شده تخلف قراردادی محسوب می‌گردد. فلذا همان‌طوری که در مباحث گذشته بیان گردید تخلف قراردادی نه مطلوب طرفین عقد است و نه مورد حمایت قانونگذار چرا که هم طرفین قرارداد و هم قانونگذار همواره بر اجرای تعهد تأکید دارند. در قانون مدنی حکم صریحی راجع به تخلف از مهلت اجرای تعهدات قراردادی وجود ندارد و فقط در ماده ۲۲۱ ق.م (تخلف از انجام تعهد) را به طور کلی بیان نموده خسارت ناشی از آن را مشروط به تصریح در عقد و یا داوری عرف و یا حکم قانون نموده است. آنچه که به نظر می‌رسد این است که قانونگذار خواسته است با ذکر عنوان کلی (تخلف از انجام تعهد) هرگونه تخلف از اجرای تعهد؛ اعم از اینکه راجع به اصل موضوع تعهد و یا شرایط و ویژگی‌های آن باشد را تحت شمول این عنوان کلی دربرآورد تا هرگونه تخلف در اجرای تعهد قراردادی را، به جبران خسارت علیه متخلف از اجرای تعهد محکوم نماید. وقتی که مهلت برای انجام تعهد معلوم گردید آنچه که موجب براءت ذمه می‌شود اجرای به موقع تعهد است بنابراین اگر به دلیلی متعهد، تعهدش را قبل از سررسید و یا پس از آن انجام دهد مرتکب تخلف قراردادی می‌شود. از طرفی انجام برخی

از تعهدات پس از سپری شدن مهلت مقرر ممکن است به جهتی ممکن نباشد در این صورت ما با موردی مواجه هستیم که تأخیر در اجرای تعهد منجر به عدم اجرای تعهد می‌گردد.

الف) اجرای قرارداد زودتر از مهلت تعیین شده

اجرای تعهد قبل از سررسید در حقوق ما علی‌الاصول نشانه حسن نیت متعهد است؛ چرا که مهلت برای اجرای تعهد اصولاً به نفع متعهد است مگر اینکه خلافش ثابت شود یا از اوضاع و احوال چنین استفاده گردد. ۱. بنابراین، این متعهد است که می‌تواند به استناد مهلت‌دار بودن تعهد تا زمانی که موعد انجام آن فرارسیده است از اجرای تعهد خودداری نماید البته بایستی این نکته را افزود که اجرای زودرس تعهد در همه موارد بی‌کم و کاست نمی‌تواند قابل قبول باشد؛ به بیان دیگر اجرای تعهد قبل از مهلت تعیین شده نمی‌تواند نشانه حسن نیت متعهد باشد؛ چرا که موارد بسیاری وجود دارد که اجرای زودرس تعهد در همه جای مطلوب طرف قرارداد نیست و به عنوان نقض قرارداد تلقی می‌شود. ۲. شرط اجل بطور معمول به سود بدهکار است تا طلبکار نتواند پیش از فرا رسیدن مهلت دین را مطالبه کند در این صورت التزام ناشی از شرط بر طلبکار تحمیل می‌شود ولی بدهکار (مشروط له) می‌تواند از امتیازی که دارد صرف‌نظر کند و دین را پیش از موعد آن بپردازد. ۳ (۲۴۴ ق.م) همچنین است ماده ۶۵۱ ق.م در فصل مربوطه به قرض که تلویحاً بر این موضوع دلالت دارد ۴ امام خمینی (ره) در مسئله ۱۶ در رابطه با این موضوع مرقوم داشته است که «اقوی آن است که اگر در قرض، مدت‌دار بودن، شرط شود صحیح و عمل به آن لازم است و قرض‌دهنده قبل از رسیدن سررسید حق مطالبه ندارد. ۵» بنابراین تعیین مهلت برای اجرای تعهد علی‌الاصول مانع نمی‌شود که متعهد به دلخواه خود قبل از فرارسیدن مهلت اقدام به اجرای تعهد خود کند براین اساس اگر تاجری به تعهد خود قبل از فرا رسیدن مهلت تعیین شده، عمل نماید و پس از انجام دادن تعهد باین شکل، ورشکسته شود

۱- جعفری لنگرودی، حقوق تعهدات، ش ۳۰۸ ص ۲۴۲

۲- کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، ش ۷۸۹ ص ۱۴۸

۳- کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات، ش ۹۰، ص ۱۲۹

۴- جعفری لنگرودی، همان، ش ۲۳۰، ص ۱۷۳

۵- کثائی، دکتر عبدالله، قانون مدنی و فتوای امام خمینی (ره)، ج ۲، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول پاییز

پرداخت او صحیح است و قابل ابطال نخواهد بود؛ مگر اینکه ذینفع در دادگاه ثابت کند که تاجر در انجام تعهدش قصد فرار از دیون و یا اضرار به طلبکاران دیگر را داشته است. ۱ (ماده ۴۲۴ ق. ت) براساس مطالب مذکور در عقد حواله نیز محال علیه حق دارد در موارد ذیل از مهلت تعیین شده چشم ببوشت و تعهد خود را پیش از موعد انجام دهد.

الف) اگر دین محیل به محتال مؤجل باشد و محتال باید در سر رسید اجل به محال علیه رجوع کند.

ب) اگر دین محیل به محتال، حال باشد لکن در عقد حواله رجوع محتال به محال علیه، اجلی معین شده باشد.

در این صورت، محتال (متعهدله) قبل از فرا رسیدن مهلت، حق ندارد به محال علیه مراجعه کند لکن محال علیه حق دارد پیش از فرا رسیدن مهلت، مورد حواله را به صندوق ثبت پردازد. ۲ اگر مهلتی را که برای اجرای تعهدات در ضمن قرارداد مقرر می شود به گونه ای باشند که هم به نفع متعهد و هم به نفع متعهدله باشد در این صورت اجرای زودتر از موعد قراردادی ایفاء تعهد محسوب نخواهند شد. فلذا در این گونه موارد در صورتی متعهد قبل از فرا رسیدن مهلت موضوع تعهد را اجرا نماید می بایست مجدداً در مهلت مقرر در ضمن قرارداد نیز تعهد خود را ایفاء نماید. مثلاً اگر یک شرکت کشتیرانی قبل از موعدی که در قرارداد خود با مسافران منعقد نموده اند کشتی را به سفر اعزام کند و برخی از مسافران نیز به سبب اعزام زودتر از موعد کشتی نتوانند خودشان را به کشتی مزبور برسانند شرکت مذکور مکلف است در موعد مقرر مجدداً به تعهدش عمل کند. همچنین است در قراردادهایی که مهلت برای انجام تعهد به صورت وحدت مطلوب مورد نظر متعهدله باشد در این مورد نیز چون موعد اجرا و موضوع تعهد امر واحدی را تشکیل می دهند به عبارت دیگر موعد انجام تعهد قید موضوع تعهد است متعهد نمی تواند قبل از موعد تعهدش را اجرا نماید زیرا موضوع تعهد با مهلت آن متحد بوده و اجرای تعهد در زمانی غیر از مهلت مذکور مطلوب متعهدله نمی باشد و در واقع امری خارج از موضوع تعهد می باشد؛ مثلاً اگر شخصی اتومبیلی را برای شب عروسی خود کرایه کند و

۱ جعفری لنگرودی، حقوق تعهدات، ش ۲۳۵، ص ۱۷۷

۲ ابن سطور، به نقل از جعفری لنگرودی، همان، ش ۲۳۰، ص ۱۷۳ و ۱۷۴

صاحب اتومبیل شب قبل از عروسی، اتومبیل را عرضه کند این امر انجام تعهد تلقی نگردیده و او ملزم است در شب موعود اتومبیل را در اختیار شخص مزبور قرار دهد. با توجه به مطالبی که بیان گردید و نیز از دیدگاه نویسندگان حقوق مدنی در سه دسته از عقود اگر متعهد پیش از فرا رسیدن مهلت اقدام به اجرای تعهدش نماید اقدام وی ایفاء محسوب نخواهد شد و موجب برائت ذمه وی نمی گردد این سه دسته عبارتند از:

عقودی که مؤجل بودن تعهدات آن به نفع دو طرف قرارداد باشد؛ مانند قرارداد وام
عقودی که مهلت دار بودن تعهد به نفع متعهدله باشد؛ مانند ماده ۲۲۶ ق. م

عقودی که زمان اجرای تعهد در آن قید موضوع تعهد باشد؛ مانند خرید بلیط قطار یا هواپیما
برای روز و ساعت مشخص.

اصل در قراردادها این است که مهلت به نفع متعهد است و همچنین اصل بر عدم اتحاد مهلت اجرای تعهد با موضوع تعهد است؛ حال اگر طرفین قرارداد بر خلاف این دو اصل کلی در ضمن قرارداد توافق نکرده باشند اقدام پیش از مهلت مقرر توسط متعهد برای اجرای تعهد نشانه حسن نیت اوست و موجب برائت ذمه وی می گردد.

سوالی که در این بحث به ذهن می رسد این است که سرنوشت عقد پس از اجرای زودرس تعهدات قراردادی چه خواهد شد؟

پاسخ را این گونه می توان داد که در مواردی که مهلت تعیین شده به نفع متعهد است وی می تواند تعهدات قراردادی را قبل از حلول مهلت مقرر ایفاء نماید که این امر نه تنها تخلف محسوب نگردیده بلکه نشانه حسن نیت متعهد نیز تلقی می گردد لیکن در مواردی که مهلت تعیین شده به نفع متعهدله یا هر دو طرف قرارداد باشد، در این صورت اجرای تعهد قبل از حلول مهلت ایفاء محسوب نگردیده و متعهد متخلف مکلف است در مهلت مقرر به تعهدش عمل نماید و از لحاظ تحلیل عقلی چون تخلف مزبور به صحت عقد خللی وارد نمی کند عقد کماکان صحیح بوده و در صحت آن شکی نیست.

(ب) عدم اجرای تعهدات قراردادی

اگر متعهد در مهلت تعیین شده مندرج در ضمن قرارداد به تعهدش عمل ننماید و پس از انقضای مهلت امکان حقوقی یا مادی انجام تعهد از بین برود آنچه که باعث ضمان وی خواهد

شد عدم اجرای تعهدات قراردادی است و وی بایستی متحمل مسئولیت عدم اجرای تعهد قراردادی باشد. عدم اجرای تعهد قراردادی همانند تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی برای اینکه دارای مسئولیت و ضمان باشد مستلزم وجود شرایطی است که ذیلاً به آنها اشاره می شود.

انقضاء مهلت مقرر برای اجرای تعهد یا مطالبه اجرای آن به وسیله متعهده

عدم اجرای تعهد ناشی از قصور متعهد باشد

اجرای موضوع تعهد پس از انقضاء مهلت ممکن نباشد

همانطوری که ملاحظه می گردد شرط اول و دوم، شروط مشترک تأخیر در اجرای تعهد قراردادی و عدم اجرای تعهدات قراردادی است و وجوه افتراق اینها در شرط سوم می باشد که دلیل تفاوت آنها در امکان یا عدم امکان اجرای تعهد پس از سپری شدن مهلت مقرر بین طرفین عقد است. عدم امکان اجرای موضوع تعهد پس از انقضاء مهلت، شرط متمایز کننده و اصلی عدم اجرای تعهد قراردادی با تأخیر در اجرای تعهد قراردادی است که ممکن است به یکی از عوامل ذیل تحقق یابد:

الف) عدم اجرای حقوقی تعهد: یعنی پس از سپری شدن مهلت برای اجرای تعهدات قراردادی، تحقق ماهیت حقوقی تعهد نیز ممکن نشود، این در صورتی است که موضوع تعهد با توافق طرفین در ضمن قرارداد مقید به مهلت اجرای آن شده و با آن متحد گردیده باشد به گونه ای که مهلت مذکور جزو لاینفک تعهد تلقی گردد در این صورت گذشتن مهلت همانند، عدم انجام تعهد است؛ چرا که از آن پس تعهد اجرا شدنی نیست، در نتیجه خسارت تأخیر نیز در عدم انجام تعهد ادغام می شود و طلبکار می تواند به دلیل سپری شدن مهلت از مدیون خسارت عدم انجام تعهد بگیرد.^۱ برای مثال، غذایی که برای جشن عروسی در روز معین سفارش داده می شود پس از آن روز به کار نمی آید چنانچه ملاحظه می شود موضوع تعهد و مهلت اجرای آن به صورت وحدت مطلوب مورد نظر بوده و در قصد مشترک طرفین قراردادی فروش مقید به همان روز موعود است.

ب) امکان مادی اجرای تعهد از بین برود: در صورتی که متعهد در مهلت تعیین شده، تعهد خود را انجام ندهد و پس از آن نیز به دلیل وقوع حادثی مانند حوادث قهری و غیرقابل پیش بینی امکان انجام تعهد در زمان دیگر نیز برای او میسر نگردد در این صورت نیز تعهد بدون اجرا خواهد ماند. عدم اجرای قرارداد در مهلت تعیین شده در فرضی که به صورت وحدت مطلوب مورد نظر طرفین عقد باشد، همان طوری که بحث آن گذشت در مواردی سبب انحلال قرارداد می شود و آن در صورتی است که مهلت تعیین شده به سود هر دو طرف قرارداد باشد که در این فرض قرارداد از لحظه وقوع تخلف منحل گردیده و التزامها در هم می ریزد و متعهدله فقط می تواند خسارت عدم اجرای تعهد را از متعهد متخلف دریافت دارد و در فرضی که شرط مهلت به سود یکی از طرفین عقد باشد مشروطه مختار است در فسخ قرارداد و گرفتن خسارت عدم اجرا و یا ابقاء قرارداد و الزام متخلف به اجرای تعهد.

بخش سوم: موارد توجیه کننده تأخیر اجرای قرارداد

بند اول: علل عدم امکان اجرای قرارداد

عدم امکان اجرای قرارداد ممکن است از علل متفاوتی ناشی گردد. از طرف دیگر برحسب اینکه عامل تعذر از چه نوعی باشد طبعاً ماهیت و کیفیت آن متفاوت خواهد بود. به یک اعتبار و در یک تقسیم کلی عدم امکان اجرای قرارداد را می توان مادی (واقعی) یا حکمی (اعتباری) دانست. اما عللی که ممکن است به هر یک از این دو نوع، منجر شوند عموماً در نوع یکسان نیستند؛ یعنی هم تعذر مادی و هم تعذر حکمی، ممکن است از عللی که ماهیتاً متمایز از هم هستند، ناشی شود. خلاصه اینکه می توان گفت هر یک از این دو نوع تعذر، ممکن است از دو دسته علل با ماهیت متفاوت رخ دهد؛ مثلاً تعذر مادی ممکن است بنا به عللی که به موضوع تعهد یا وسایل و اسباب اجرای قرارداد مربوط است رخ دهد و یا بنا به عللی که به طرفین قرارداد مربوط می گردد. در تعذر حکمی نیز یک نوع دوگانگی در علل تعذر به چشم می خورد و این نوع تعذر می تواند از دو دسته علل ماهیتاً متمایز از هم ناشی گردد. گاهی تعذر حکمی به دلیل غیر قانونی شدن اجرای قرارداد است. اما گاهی دیگر، بدون اینکه اجرای قرارداد نیز غیر قانونی شود حکماً متعذر محسوب می گردد و آن هنگامی است که هدف اصلی طرفین در قرارداد منتفی شده و عقیم می ماند. البته باید یادآوری نمود که عدم امکان قانونی او

نیز همچون تعذر مادی، ممکن است بنابه عللی که به موضوع قرارداد یا طرفین قرارداد مربوط می‌شود، رخ دهد. بنابراین ما علل عدم امکان اجرای قرارداد را در چهار مقوله مورد بحث قرار می‌دهیم. علل عدم امکان مادی اجرای قرارداد، علل عدم امکان شخصی اجرای قرارداد، غیرقانونی شدن اجرای قرارداد و در نهایت انتقاء مقصود اصلی اساسی قرارداد یا عقیم ماندن صرف قرارداد.

علل عدم امکان مادی اجرای قرارداد: عواملی که موجب عدم امکان مادی اجرای قرارداد می‌گردد از شناخته‌ترین علل عدم امکان اجراست که می‌توان از آنها به قوه قهریه تعبیر نمود. قوه قاهره در معنای عام خود شامل علل مختلفی می‌گردد هر عاملی که واجد اوصاف قوه قاهره باشد و اجرای قرارداد را بصورت فیزیکی متعذر گرداند در این مقوله می‌گنجد. بنابراین تلف موضوع تعهد یا وسیله اجرای قرارداد یا قرار گرفتن آنها دور از دسترس طرفین و ناممکن شدن عمل مورد تعهد بدلیل دخالت عواملی نظیر آفات سماوی، بروز جنگ، اعتصاب و حریق و عواملی از این قبیل، اشکالی از عدم امکان مادی اجرا محسوب می‌گردند. عدم امکان مادی اجرای قرارداد ممکن است از عوامل مختلفی ناشی گردد؛ گاهی این عامل جنبه طبیعی دارد؛ مانند زلزله، سیل، رعد و برق، مه‌گرفتگی و... و گاهی دیگر جنبه اجتماعی، مانند انقلاب، شورش و اعتصاب. همچنین عدم امکان مادی اجرای قرارداد، ممکن است نتیجه اقدام ثالث باشد. به همه این موارد در یک معنای عام، می‌توان قوه قاهره «یا فورس مازور» اطلاق نمود. بنابراین قوه قاهره تنها شامل حوادث طبیعی و آفات سماوی نیست. بلکه مفهومی وسیع‌تری دارد. او مواردی چون جنگ، انقلاب، شورشهای مردمی، اعتصاب و غیره را که جنبه اجتماعی دارند و نیز پاره‌ای از حوادث ناشی از عمل انسان و همه حادثه دیگری را که واجد اوصاف مزبور است دربر می‌گیرد. اما آنچه موضوع بحث ما را در این قسمت تشکیل می‌دهد مکانیسم قوه قاهره در غیرممکن نمودن مادی اجرای قرارداد است. گاهی منظور از قوه قاهره، تلف کالای موضوع تعهد است و گاهی وسیله اجرای قرارداد را از بین می‌برد و گاهی نیز موضوع قرارداد و یا آنچه را که برای اجرای قرارداد ضروری است بدون اینکه از بین ببرد، دور از دسترس قرار می‌دهد، به گونه‌ای که امکان بهره‌گیری از آن متعذر می‌گردد، برخی

اوقات هم، انجام کار مورد تعهد را ناممکن می‌سازد و اثر آن متعذر نمودن عمل مورد تعهد است و آن در قراردادهایی مصداق می‌یابد که موضوع آنها، انجام کار است. در ذیل به بررسی بارزترین این علل می‌پردازیم.

الف- تلف مورد معامله یا آنچه برای اجرا ضروری است: یکی از موارد عدم امکان مادی اجرای قرارداد، از بین رفتن مورد معامله یا چیزی است که وجودش برای اجرای قرارداد لازم است. هنگامی که تعهد متضمن انتقال کالایی است، اگر در نتیجه آفتی سماوی این کالا از بین برود، ایفاء تعهد از نظر مادی ناممکن شده و نتیجتاً تعهد ساقط می‌گردد. تلف مورد معامله بواسطه عوامل خارجی یکی از بارزترین صور عدم امکان اجرا محسوب می‌گردد. در کلیه قراردادهایی که موضوع آنها انتقال یا تحویل چیزی است هنگامی که کالای موضوع قرار داده بواسطه عوامل خارجی از بین می‌رود. تعهد بدلیل عدم امکان اجرا که صورت فیزیکی دارد ساقط می‌گردد. که از جمله مصادیق آن می‌توان به مواد ۳۸۷ ق.م و ماده ۴۹۶ همان قانون اشاره کرد. در فقه گفته شده است که اگر عین مستأجر، قبل از قبض غصب گردد، مستأجر می‌تواند اجاره را فسخ نماید و این حکمی است که ماده ۴۸۸ ق.م نیز آن را مقرر می‌دارد. البته غصب پس از قبض، تأثیری بر قرارداد ندارد. زیرا پس از قبض، عقد مستقر می‌گردد.

ب- عدم دسترسی به موضوع یا وسیله اجرای قرارداد (سرقه، مصادره، توقیف...): ناممکن شدن اجرای قرارداد، ممکن است بدلیل دور از دسترس قرار گرفتن مورد معامله یا وسیله اجرای قرارداد باشد. موضوع یا وسیله اجرای قرارداد همچنان موجود است، اما امکان دسترسی به آن از بین می‌رود. بدون اینکه از بین بروند، سلطه‌ای بر آنها نیست. خارج شدن مورد معامله از دسترس به نحوی که عادتاً امکان دستیابی به آن نباشد در حکم تلف تلقی گردیده است. ۱. مواردی نظیر: سرقه، غصب، مصادره و توقیف از جمله عواملی می‌باشند که می‌توانند چنین اثری را در پی داشته باشند.

ج- ناممکن شدن کار مورد تعهد: ناممکن شدن مادی اجرای قرارداد ممکن است به علت متعذر شدن کار موضوع قرارداد باشد. هنگامی که موضوع قرارداد انجام کاری است؛ اگر فعل مزبور به دلیل عوامل خارجی و بروز قوه قاهره ناممکن گردد تعهد نیز از مصادیق بارز عدم

امکان اجراست. عدم امکان اجرای یک قرارداد مقاطعه کاری در مورد احداث پلی بر روی یک رودخانه بدلیل بروز سیل و عدم امکان عبور کشتی بدلیل مسدود شدن یک تنگه دریایی از مصادیق عدم امکان انجام کار مورد تعهد می‌باشند.

علل عدم امکان شخصی اجرای قرارداد: در پاره‌ای از قراردادها اجرا ممکن است به دلایلی که به وضعیت متعهد یا متعهدله مربوط می‌گردد ناممکن گردد. یعنی عدم امکان اجرا با توجه به وضعیت ایشان رخ دهد. این نوع تعذر اغلب در قراردادهایی رخ می‌دهد که اجرای آنها وابسته به وضعیت متعهد یا متعهدله است و اجرای قرارداد مقید به مباشرت متعهد است و با استیفاء متعهدله، مبنای توافق را تشکیل می‌دهد. وجه تمایز این نوع عدم امکان اجرا این است که اصولاً به وضعیت طرفین قرارداد ارتباط دارد و اگرچه ممکن است جنبه مادی یا اعتباری داشته باشد و به این اعتبار در زمره عدم امکان مادی یا اعتباری قرار گیرد. در هر صورت این نوع عدم امکان اجرا را به اعتبار دیگری می‌توان به دو نوع تقسیم نمود: عدم امکان اجرای قرارداد به دلایلی که به متعهد می‌گردد و عدم امکان اجرای قرارداد به عملی که به متعهدله مربوط می‌گردد.

الف- عللی که به شخص متعهد مربوط است: در قراردادهای مربوط به خدمات شخصی، یعنی قراردادهایی که کار موضوع تعهد باید به وسیله شخص متعهد انجام شود بقای زندگی و سلامتی جسمی و روحی او شرط اساسی اجرای قرارداد است، به گونه‌ای که مرگ یا عوارضی بدنی و روانی امر، اجرای قرارداد را با مشکل روبه‌رو می‌نماید. با مرگ متعهد اجرای چنین قراردادهایی که مباشرت او در آن شرط است ناممکن می‌گردد، علاوه بر مرگ عوامل دیگری از قبیل بیماری یا حجر نیز ممکن است چنین نتیجه‌ای را بدنبال داشته باشند. همچنین است هرگاه متعهد به دلیل دخالت عوامل خارجی نتواند حضور خود را برای اجرای قرارداد حفظ نماید؛ توقیف حبس، احضار و رفتن به خدمت نظام وظیفه، می‌تواند از این جمله تلقی گردد.

ب- عللی که به شخص متعهدله مربوط است: قراردادهایی که اجرائشان وابسته به وجود متعهدله یا مقید به استیفاء اوست فوت او اجرا را متعذر و قرارداد را منحل می‌سازد. مثلاً اگر بر

مستأجر شرط شده باشد که شخصاً از مورد اجاره منتفع گردد؛ فوت او سبب انحلال اجاره خواهد بود.

ج- علل عدم امکان قانونی اجرای قرارداد: یکی دیگر از علل عدم امکان اجرای قرارداد غیر قانونی شدن اجرای قرارداد است. در پاره‌ای موارد تغییر مقررات زمان انعقاد قرارداد، وضع قوانین جدید و یا عوامل دیگری ممکن است اجرای قرارداد را ممنوع نماید. به گونه‌ای که اجرای قرارداد مغایر با قانون و عرف محل و نظم عمومی تلقی گردد، در این وضع هر چند اجرا از نظر فیزیکی میسر است بدلیل ممنوعیت قانونی اعتباراً متعذر تلقی می‌گردد. وقتی اجرای قرارداد، مغایر قوانین امری و مغایر نظم عمومی است انجام آن نقض آشکار قانون و عرف محل و نظم عمومی است، به همین اعتبار متعهد الزامی به اجرای چنین تعهدهایی ندارد. موانع قانونی که در اجرای قرارداد به وجود می‌آید در زمره حوادث خارجی قرار دارد. ۱ بنابراین هنگامی که قانون، نقل و انتقال کالای موضوع قرارداد را ممنوع می‌سازد یا دولت تجارت به آن را در انحصار خود می‌گیرد و یا انجام موضوع قرارداد ممنوع می‌گردد قرارداد به دلیل اینکه از نظر قانونی قابل اجرا نیست منحل خواهد شد؛ به عنوان مثال اگر تجارت موضوع مضاربه ممنوع شود. این عقد منحل می‌گردد. ۲ یا اگر شخصی متعهد گردد حقایقه خود را از رودخانه‌ای به دیگری واگذار نماید سپس قانونی وضع گردد که منابع آبها را ملی سازد، امکان اجرای قرارداد از بین می‌رود. ۳ در فقه نیز تعذر اجرای قرارداد بدلیل ممنوعیهای شرعی مطرح شده است. اگر در اجرای قرارداد مانع شرعی حادث شود مانند اینکه سفر به دلیل وجود خطر در راه احرام باشد یا زنی که برای نظافت مسجد اجیر شده است در مدت اجاره حیض ببیند گفته شده است که اقرب تحقق خیار فسخ است و انفساخ اجاره نیز متحمل دانسته شده است.

چ- انتفاء مقصود اساسی قرارداد: در صورتی که اجرای قرارداد بدون اینکه غیرقانونی باشد حکماً متعذر محسوب گردد در این صورت اجرای قرارداد منتفی می‌گردد؛ یعنی هدف اصلی

۱ کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۱۶۵

۲ امامی، دکتر سید حسن، دوره حقوق مدنی، ج ۲، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ بیست و یکم ۱۳۷۹، ص ۱۱۵

۳ کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق انتقالی (تعارض قوانین در زمان)، نشر دادگستر، چاپ سوم ۱۳۷۵، ش ۱۰۴، ص ۱۵۸

طرفین در قرارداد منتفی شده و عقیم می ماند. علل این تعذر ممکن است در اثر عواملی رخ دهد که به موضوع قرارداد یا طرفین قرارداد مربوط می شود. بنابراین هنگامی که عدم امکان اجرای قرارداد در نتیجه مانع عملی باشد؛ مانند اینکه وقوع زلزله، آتشفشان یا سیل حمل و نقل کالایی را به مناطقی که در قرارداد قید شده ناممکن سازد و یا تغییر مرزهای سیاسی، ساختن سد بر روی رودخانه ای را ناممکن یا بیهوده سازد، اجرای قرارداد که موضوع آن مقصود اساسی طرفین قرارداد است منتفی می گردد.

بخش چهارم: نگاهی اجمالی به تعیین وجه التزام در صورت تأخیر اجرای قرارداد

۱- معنا و مفهوم وجه التزام

الزام به پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد امری اجتماعی و حقوقی است که جهت حفظ نظم و تعادل در جامعه و احترام به عهد و پیمان میان طرفین قرارداد برقرار شده است. یکی از راههای جبران ضرر ناشی از تأخیر اجرای تعهد، تعیین صریح ضرر و زیان در هنگام انعقاد عقد اصلی و پیش از ورود خسارت، توسط طرفین است (ماده ۲۳۰ ق.م) پرداخت این خسارت بوسیله متخلف است که از آن به وجه التزام یاد می شود. آنچه از مفاد ماده ۲۳۰ ق.م به عنوان عناصر ضروری تشکیل دهنده شرط خسارت توافقی در حقوق ایران استنباط می شود عبارتند از:

الف. خسارت تعیین شده باید به صورت مبلغی پول باشد اگر چه تعیین مال دیگری به جای آن نیز ممکن است. پرداخت این مبلغ می تواند به صورت نقد باشد و یا در برخی قراردادها از قبیل قرارداد حمل و نقل و مقاطعه کاری به صورت کسر از مبلغ استحقاقی متعهد، مثل مال الاجاره حیوان و یا ماشین آلاتی که به اجاره گرفته شده است. (مواد ۵۰۹ و ۵۱۷ ق.م)

ب. مبلغ فوق باید به صورت مقطوع و غیر قابل تغییر تعیین شود. بدین منظور لازم است که طرفین در طول مذاکرات قراردادی احتمال وقوع خسارت و میزان آن را به دقیق ترین وجه بررسی و پیش بینی کرده و مبلغی را که جبران کننده آن باشد در قرارداد ذکر نمایند. چرا که در غیر این صورت و به علت غیر قابل تغییر بودن آن در مرحله اجرا ممکن است یکی از دو طرف مورد اجحاف قرار گرفته و خسارت تماماً جبران نشود. این استنباطی است که از قانون

می‌شود اگر چه ادعای مخالف آن نیز شده است. در نظر آقای دکتر کاتوزیان: «اگر مبلغ توافقی بر اساس تزویر و حيله‌ای که یک طرف قرارداد به کار می‌برد چنان کم باشد که به نظر مسخره و بی‌معنی آید، در واقع چنان رفتار می‌شود که گویی اصولاً مبلغی تعیین نشده و شرط فوق به «شرط عدم مسئولیت» تبدیل می‌شود و یا اگر مبلغ بسیار گزاف باشد، به علت استیفاء ناروای طلبکار شرط نافذ نخواهد بود»^۱ این تحلیل با ماده ۲۳۰ قانون مدنی و مبانی حقوقی این ماده مندرج در قبل منطبق به نظر نمی‌رسد و بیشتر ملهم از افکار عدالت خواهانه و روش دادگاه‌های انصاف است، در حالی که نفوذ شرط در هر دو حالت مذکور در فوق قانونی می‌باشد و اگر رفتار فریبکارانه یک طرف قرارداد در دادگاه اثبات گردد این رفتار می‌تواند مبنای فسخ معامله و ابطال شرط به علت تدلیس و رفتار غیر قانونی باشد و نه به علت زیاد یا کم بودن مبلغ توافقی. (مواد ۲۰۳ و ۴۳۹)

ج. زمان تعیین این مبلغ و تکمیل شرط، بر اساس نص ماده فوق در ضمن معامله است که منظور در طول مذاکرات قراردادی و هم زمان با انعقاد عقد است و نه پس از آن. با این حال به نظر می‌رسد هر توافقی که قبل از وقوع تخلف بدین منظور صورت پذیرد (به صورت الحاقیه قرارداد) نیز می‌تواند دارای اعتبار بوده و قابل مطالبه تلقی گردد. به علاوه می‌توان شرط خسارت را در قرارداد لازم جداگانه دیگری نیز توافق و وارد نمود. ۲

د. امکان مطالبه این خسارت توسط طرف متضرر بسته به شرایط توافق طرفین است. اگر نوع خاصی از تخلف قراردادی (فعل یا ترک) سبب استحقاق متضرر به این مبلغ گردد فقط در همان زمان وی می‌تواند درخواست آن را بنماید و در سایر تخلفات چنین حقی نخواهد داشت. ولیکن اگر توافق خاصی در این زمینه صورت پذیرفته، ارتکاب هر نوع تخلفی که سبب تأخیر در اجرا و یا عدم اجرای تعهدات گردد به متضرر حق خواهد داد این مبلغ را مطالبه کند. ۳

ه. شرط خسارت توافقی باید ضمن یک عقد لازم آمده باشد. در این صورت اگر شرط باطل شود عقد لطمه‌ای نمی‌بیند، اما اگر عقد باطل شود شرط ضمن آن نیز باطل خواهد گردید. اگر

^۱ کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، ص ۲۴۶

^۲ کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، ش ۹، ص ۲۴۱

^۳ حسین آبادی، امیر، بررسی وجه التزام مندرج در قرارداد، مجله الهیات و حقوق، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۱

شرط ضمن یک عقد جایز آمده باشد، در صورت توافق طرفین بر فسخ عقد شرط می‌تواند همچنان نافذ بوده و طرف متضرر را مستحق دریافت مبلغ آن ناشی از تخلفات قراردادی بنماید.

۲- ویژگی‌های وجه التزام

آنچه از ویژگی‌های این شرط می‌توان گفت ویژگی‌های اختصاصی‌ای است که این پدیده در حقوق ایران دارا است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف. اولین ویژگی مقطوع بودن مبلغ شرط است. بدین معنی که به هیچ وجه دادگاه حق نخواهد داشت دخالتی در آن کرده و مبلغ را کاهش و یا افزایش دهد. به قولی «شرط وجه التزام هر نوع بازرسی را در این باره ممنوع می‌داند.»^۱ به عبارت دیگر، این مبلغ در همه حال در حقوق ایران خسارت تلقی شده و بوی اجحاف و ایذاء از آن استشمام نمی‌شود تا نیاز به مداخله دادگاه در تعدیل آن داشته باشد. بنابراین اگر مبلغ توافقی بسیار کمتر و یا بیشتر از خسارت واقعی هم باشد باز متضرر فقط استحقاق آن را خواهد داشت، نه مبلغ خسارت واقعی را، چرا که هیچ ارتباطی بین این دو وجود ندارد و مبلغ شرط می‌تواند متفاوت از میزان خسارت واقعی هم باشد.

ب. این مبلغ خسارت است و نه جریمه، و به محض وقوع تخلف جانشین خسارت قراردادی شده و باید دارای کلیه شرایط مربوط به خسارت قراردادی به استثناء آنچه که از ویژگی‌های خاص خسارت توافقی است باشد^۲ و دادگاه نمی‌تواند خسارت دیگری را به جای آن تعیین کند. با این توجیه استدلال آنانی که این مبلغ را نوعی جریمه تخلف خصوصاً در موردی که در اثر تخلف خسارتی به متعهدله وارد نشده دانسته‌اند رد می‌شود.

ج. ویژگی دیگر این شرط آن است که متضرر به محض وقوع تخلف استحقاق دریافت مبلغ مندرج در آن را پیدا می‌کند. در واقع تعهد به پرداخت خسارت توافقی یک تعهد فرعی است که بنابر قولی به محض وقوع تخلف جانشین تعهد اصلی می‌شود.

۱ کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، ش ۹، ص ۲۴۱

۲ جعفری لنگرودی، حقوق تعهدات، ج ۱، ص ۳۱۲

به علاوه، برخلاف قاعده عمومی خسارات (مسئولیت) قراردادی که نیاز به اثبات ورود خسارت دارد (ماده ۷۲۸ ق. آ. د. م ۱۳۱۸)، در اینجا متضرر نیازی به اثبات ورود خسارت به خویش را نداشته و صرف اثبات تخلف او را کفایت می‌کند.

د. علاوه بر عدم لزوم اثبات ورود خسارت، اثبات میزان خسارت وارده نیز لزومی ندارد و مطالبه مبلغ شرط، تکلیفی را در این جهت برای متضرر ایجاد نمی‌نماید.

ه. اگر در قراردادی شرط خسارت وجود داشته باشد دیگر نمی‌توان با وقوع تخلف آن را نادیده گرفته و به سراغ خسارت غیر معین قراردادی رفته و از دادگاه خواست که میزان آن را تعیین نماید.

نتیجه گیری

نهایتاً در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت تأخیر در اجرای قرارداد، به عنوان یکی از اشکال تخلف از مهلت اجرای قرارداد در صورتی است که عمل یا موضوع قرارداد، در موعد مقرر و تعیین شده اجرا نگردد. زمان اجرای تعهدات قراردادی تأثیر زیادی بر مطلوبیت و ارزش موضوع دارد که می‌تواند با موضوع تعهد به صورت وحدت مطلوب و تعدد مطلوب مورد قصد طرفین قرار گیرد. بنابراین در صورت تحقق تأخیر، بر حسب اینکه مهلت اجرای قرارداد شرط اجرای قرارداد است یا قید آن، نتیجه و آثار متفاوتی خواهد داشت. در مواردی که اجرای قرارداد به سود طرفین قرارداد باشد و یا زمان اجرای قرارداد از چنان اهمیتی برخوردار باشد که اجرای قرارداد در آن موعد معین مطلوب طرفین باشد (وحدت مطلوب) در این صورت زمان، قید تعهد است. در صورت تأخیر متعهد از اجرای قرارداد، قرارداد منفسخ گشته و مطالبه اجرای قرارداد ممکن نیست و طرف مقابل صرفاً می‌تواند مطالبه خسارت نماید در ارتباط با ماهیت حالت مذکور بین برخی از حقوقدانان بنام و برخی از فقهای عظام اختلافی وجود دارد به این صورت که این حقوقدانان قائل هستند به اینکه مهلت تعیین شده برای اجرای قرارداد در صورتی که قید تعهد باشد، شرط ضمن عقد و از نوع شرط فعل می‌باشد در حالیکه فقها در چنین حالتی، این شرط را شرط ضمن عقد و از نوع شرط صفت می‌دانند. در مواردی نیز که موضوع قرارداد فی‌الفسه مطلوب متعهدله است در واقع موعد اجرای قرارداد شرط فرعی و مطلوب جداگانه‌ای است که در صورت تخلف متعهد، ضمان

ویژه خود را دارد. در صورت تأخیر در چنین حالتی، اولین حقی که برای متعهدله ایجاد می شود بر اساس ماده ۲۲۶ ق. م مطالبه خسارت می باشد. بر طبق این ماده «در صورت عدم ایفاء تعهدات از طرف یکی از متعاملین طرف دیگر نمی تواند ادعای خسارت نماید، مگر اینکه برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد و اگر برای ایفاء تعهد مدتی مقرر نبوده طرف وقتی می تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام تعهد با او بوده و ثابت نماید انجام تعهد را مطالبه کرده است». بنابراین پس از سپری شدن مدت مشخص شده، متعهدله حق مطالبه خسارات ناشی از تأخیر در ایفاء تعهد را خواهد داشت. بعلاوه او می تواند متعهد را الزام به ایفاء تعهد هم بنماید؛ چرا که هدف و غرض اصلی متعهدله از ایجاد عقد، ایفاء تعهد بوده و زمان ذکر شده مطلوب جداگانه ای بوده است که انجام نشده و از این باب حق دریافت خسارت را خواهد داشت. همچنین پس از سپری شدن زمان، متعهدله حق فسخ عقد را هم خواهد داشت؛ چون ماهیت مهلت تعیین شده برای اجرای قرارداد در حالتی که مهلت، شرط تعهد بوده از نوع شرط فعل است؛ بنابراین در صورت عدم امکان الزام متعهد طبق مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ ق. م، می توان برحسب ماده ۲۳۹ ق. م حق فسخ برای متعهدله قائل شد. بدیهی است که در صورت تخلف از مهلت اجرای قرارداد ناشی از قوه قاهره یا عدم امکان مادی، شخصی، اعتباری یا قانونی و یا در صورتی که مسئولیت با تراضی طرفین تحدید شده باشد متخلف از اجرای قرارداد، بر حسب مورد مسئولیتی نسبت به جبران خسارت نداشته یا فقط نسبت به میران توافق شده، مسؤول خواهد بود. همچنین باید توجه داشت تأخیر در اجرای قرارداد در صورت وحدت مطلوب تحت عنوان انفساخ و در صورت تعدد مطلوب با اجرای قرارداد به عنوان یکی از مصادیق وفای به عهد و با عدم اجرای قرارداد به عنوان فسخ از موارد سقوط تعهدات می باشد؛ هرچند در ماده ۲۶۴ قانون مدنی ایران اشاره ای به آن نشده است.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- امامی، دکتر سید حسن، دوره حقوق مدنی، ج ۱، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ بیست و یکم ۱۳۷۹
- امامی، دکتر سید حسن، دوره حقوق مدنی، ج ۳، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ بیست و یکم ۱۳۷۹
- امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، حقوق تعهدات، ج ۱، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸.
- امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، حقوق تعهدات، ج ۲، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸.
- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم ۱۳۸۱.
- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم ۱۳۸۱.
- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ پانزدهم ۱۳۸۴.
- حائری شاه باغ، سید علی، شرح قانون مدنی، ج ۱، تهران انتشارات گنج دانش، چاپ سوم ۱۳۸۷.
- شهیدی، دکتر مهدی، حقوق مدنی (تشکیل قراردادها و تعهدات)، تهران، انتشارات مجد، چاپ ششم ۱۳۸۶
- شهیدی، دکتر مهدی، حقوق مدنی (سقوط تعهدات)، تهران، انتشارات مجد، چاپ هشتم ۱۳۸۴.

- شهیدی، دکتر مهدی، حقوق مدنی (تعهدات)، ج ۳، تهران، انتشارات مجد، چاپ هشتم ۱۳۸۴.
- صادقی مقدم، دکتر محمد حسین، تغییر در شرایط قرارداد، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۶
- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، ج ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی (نظریه عمومی تعهدات)، تهران، نشر میزان، چاپ سوم بهار ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، دکتر ناصر، الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری، مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم ۱۳۸۶
- کاتوزیان، دکتر ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سی و هشتم ۱۳۸۳.

ب) منابع عربی

- احمد سنهوری، دکتر عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید (دوره حقوق تعهدات) مترجمان، محمد حسین دانش کیا و سید مهدی داد مرزی، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، بیروت، دارالاحیاء، تراث العربی ۱۴۰۸ هـ ق.
- اشتهاودی، احمد بن علی، مدارک عروء، ج ۲۷، انتشارات مکتبه السید المرعشی، ۱۴۰۲ هـ ق
- اصفهانی، محمد حسین، الاجاره، قم، انتشارات موسسه النشر الاسلامی، الطبعة الثانيه ۱۴۰۹ هـ ق

- انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، ج ۳، قم، موسسه باقری، الطبعة الاولى ۱۴۱۵ هـ ق.
- بجنودی، میرزا حسن، القواعد الفقهیه، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول ۱۳۷۱.
- حلّی، ابوالقاسم (محقق حلّی)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، تهران، انتشارات استقلال، الطبعة الثاني ۱۴۰۹ هـ ق.
- حلّی، حسن (علامه حلّی)، تحریر الاحکام، ج ۱، انتشارات موسسه آل بیت (ع)، مشهد، ۱۳۱۸ هـ ش.
- خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ج ۲، قم، الناشر وجدانی، الطبعة الاولى ۱۳۷۱ هـ ش.
- خویی، سید ابوالقاسم، موسوعه السيد الخویی، الناشر وجدانی، الطبعة الاولى ۱۳۷۱ هـ ش.
- زکی محمود، جمال الدین، مشکلات المسؤولية المدنية، مصر، قاهره، ج ۲، مطبعة جامعة القاهرة، ۱۹۸۷ م
- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، ج ۱۹، قم، الناشر وجدانی، الطبعة الاولى ۱۴۰۲ هـ ق

(ح) پایان نامه‌ها

- صدیقی زاده، کیانوش، عدم امکان اجرای قرارداد در حقوق ایران و انگلیس، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تابستان ۱۳۷۵
- احمدی جشقانی، حسین علی، اجرای تعهد قراردادی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، رساله دکتری حقوق خصوصی ۱۳۷۳